

### سعدی و شعر عالم گیر پارسی

سعدی از بزرگ‌ترین سخن‌سرایان زبان فارسی و یکی از ستون‌های برافراشته فرهنگ و زبان ایرانیان است.

بانگاه به نغمه‌های ناسازوالبته بی‌فرجامی که برای تضعیف

زبان فارسی به‌گوش می‌رسد، در این مختصر برآرم تا واژه «پارسی» را در چند جا از زبان سعدی شیرین سخن بررسی کنم.

دریبتی از یکی از غزل‌های سعدی می‌خوانیم:

«چو آب می‌رود این پارسی به قوت طبع

نه مرکبی است که از وی سبق برد تازی» (غزل ۵۷۷)

سعدی با اینکه سال‌ها در مناطق عرب‌زبان زیسته و گردش‌ها در بین تازیان کرده و خود به زبان آنان علاقه‌مند و بر زبان عربی توانا است، در این بیت زبان فارسی را روان‌تر و گیراتر از زبان عربی می‌داند.

در باب هفتم بوستان و در پایان حکایت «درویش صاحب‌نظر و بقراط حکیم» چنین می‌خوانیم:

«در اوراق سعدی نگنجد ملال

که دارد پس پرده چندین جمال

مرکابین سخن‌هاست مجلس‌فروز

چو آتش در آو روشنایی و سوز

نزنجی ز خصمان اگر بترسند

کز این آتش پارسی در تپند»

اینجا سعدی خرده‌گیری مخالفان خود را به سبب حسادت آنها و شاید دشمنی با زبان فارسی می‌داند که بر شعر و نثر او رشک برده و یا خرده‌گیری کرده‌اند.

در باب پنجم گلستان که در «عشق و جوانی» است، آنجا که از دوره سلطان محمد خوارزم‌شاه که از سلاطین ترک‌تبار است و از دیدار خود باطلی‌ای در کاشغر حکایت می‌کند، می‌گوید: «...بخندید و از مولدم برسید. گفتیم: خاک شیراز، گفت: از سخنان سعدی چه‌داری؟...» سعدی می‌گوید که برای آن طلبه‌ای که علم نحو زبان عربی می‌دانست، دوبیت شعر عربی خواندم؛ آن جوانک به تعبیر سعدی، لختی به اندیشه فرو رفت و گفت: «غالب اشعار او در این سرزمین به زبان پارسی است. اگر بگوئی به فهم نزدیک تر باشد. کَلِمَ النَّاسِ عَلٰی قَدْرِ عَقُولِهِمْ. گفتیم: «طبع تو را تا هوس نحو کرد صورت صبر از دل ما محو کرد ای دل عشاق به دام تو صید ما به تو مشغول و تو با عمرو وزید»

در اینجا چند نکته درخور تأمل است: نخست آنکه شعر سعدی در رتبه‌ای از شهرت بوده که در زمان زندگی‌اش تا دوردست‌ها رفته است. دیگر که در عهد پادشاهی ترک‌تبار و در سرزمینی غیر از قلمرو پارسیان، مردمی که خود زبان محلی داشته‌اند، شعر سعدی را می‌خوانده و می‌فهمیده‌اند. آنگونه که طلبه‌ای عربی خوان و ترک‌زبان عشق و علاقه خود را به شعر فارسی سعدی ابراز کرده و گفته مردم اینجاشعر پارسی سعدی را می‌دانند و می‌خوانند؛ و این همان قلمرو گسترده زبان فارسی است که از دیرباز مرزهای دوردست ایران فرهنگی را تشکیل داده است.

سعدی در باب ششم گلستان، حکایت می‌کند که در مسجد جامع دمشق با جماعتی بحث می‌کرده که جوانی از در درآمده و گفته: آیا کسی در میان شما زبان

پارسی می‌داند؟ وقتی به سعدی

اشاره می‌کنند، آن جوان می‌گوید

که پیری در حال مرگ سخنی

به زبان پارسی می‌گوید که ما

در نمی‌یابیم.

سید جعفر حمیدی، استاد زبان و ادبیات فارسی در ۸۹ سالگی درگذشت.

به‌گزارش ایستا، دکتر حمیدی حدود ۱۱ شب شنبه بر اثر کِهولت سن و بیماری در منزل شخصی خود از دنیا رفت. دکتر سید جعفر حمیدی، متولد ۵ آذرماه ۱۳۱۵ در بندر بوشهر و فارغ‌التحصیل دکترای ادبیات فارسی از دانشگاه فردوسی مشهد بود. بیش از ۴۰ سال

### سید جعفر حمیدی درگذشت

تدریس در دانشگاه‌های کشور از جمله دانشگاه شهید بهشتی، شرکت و ارائه مقاله و سخنرانی در سمینارها و کنگره‌های علمی و ادبی داخل و خارج از کشور و تألیف بیش از ۴۰ عنوان کتاب در حوزه‌های مختلف، بخشی از یک عمر فعالیت علمی و فرهنگی ایشان است. «وصلت در سده تظلم»، «ابر باران بار»، «از خون کبوتران»، «نهضت ابوسعید گناوه‌ای»، «از سایه

# ضیاموحد از عاشقانه‌های سعدی می‌گوید

شیخ اجل بارها از خود انسانی و تعاملش با جهان سخن گفته است



بارها و بارها وقتی از چهره‌های نام‌آور جهان در گستره زبان‌آوری و سخن‌پروری، از نویسنده و شاعر، سیاهه مدکتاب برتر را استعلام کردند، گلستان سعدی یکی از خورشیدهای این فهرست برگزیده بزرگان سخن و ادبیات جهانی بوده



علی مظاهری گروه فرهنگ و هنر

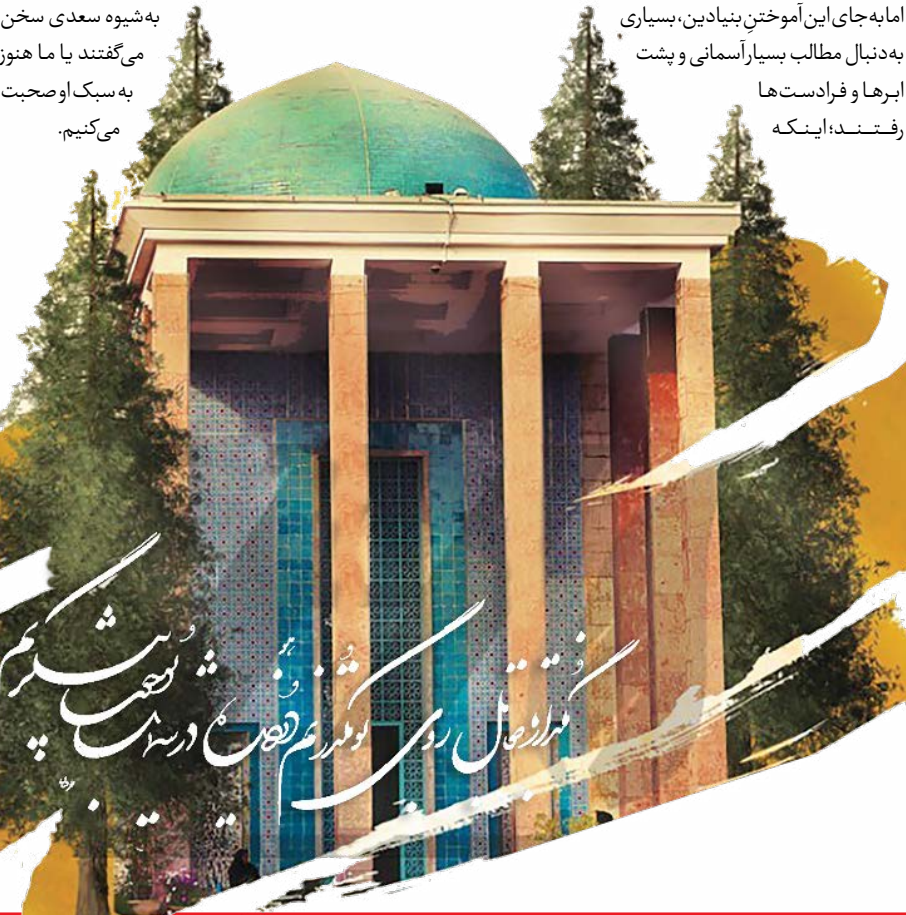
است. راستی این است که بافت این زبان و گزاره‌ها و چیدمان واژگانی‌اش را از سعدی داریم و جایگاه فردوسی، چکاد بلند و فلک‌فرساست که ویژگی‌های منحصر به خودش را دارد و سپهر زبانی دیگری است. با استاد نامور و مهربان دیرین، دکتر ضیا موحد درباره سعدی و جایگاه او در سپهر ادبی ایران و جهان گفت‌وگو کردیم.

**با رویکرد خلاقانه‌ای که شما به شعر و سخن دارید، با آن نگاه و سبک‌های خلاقه، وقتی به عنوان شاعری صاحب‌سبک به شعر سعدی و به غزلیات او می‌نگرید...**

این اشعار معجزه‌اند، معجزه؛ نخست این‌که این غزلیات از اولین نمونه‌های شعر عاشقانه بسیار پراحساس و پرشور هستند؛ و عاشقانه‌هایی زمینی، نه مانند مولوی که غالباً در آسمان‌ها سیر می‌کند. شعر سعدی کاملاً انسانی است، انسانی کامل. می‌توانم بایک بیت، سخن را به پایان ببرم: «منطق سعدی شنید قاصد و حیران بماند/ چاره او خامشی است یا سخن آموختن.» **به دیگر سخن به ما می‌فرماید: یا خاموش باش یا سخنی بیاموز که شایسته باشد اما آیا از سعدی آموخته‌ایم؟ منظورم اندرز و آموزه‌هایش نیست؛ بلکه همین زبانش را در پخت نخست و سپس آن یکرانی‌های معارف زندگی‌سازش را؟**

این را می‌خواهم بگویم که واقعاً سخن عاشقانه سعدی و نثر زیبای او را در «گلستان» نیاموختند و نیاموخته‌اند. نوع بیان و سخنی را که سعدی داشت و همچنان خواهد داشت، نیاموختند! اینکه به چه دلیل و به خاطر کدام ویژگی‌ها چنین شده است که آن را نیاموختند و فراموش کردند، بحثی دیگر است

اما به جای این آموختن بنیادین، بسیاری به دنبال مطالب بسیار آسمانی و پشت ابرها و فرادست‌ها رفتند؛ این‌که



**آیامی‌توان به این ویژگی دست یافت؟ آیامی‌توان با تلاش و خلاقیت، بافت زبانی‌ای خلق کرد که به‌گونه‌ای جامعه‌رافرا بگیرد و از افق ما به زبان کند و از افق ما جهان را معنا کنند و بنامند و بایکدیگر سخن بگویند؟**

بله می‌شود و می‌شد، اما قضا یا شلوغ شد؛ به این معنا شلوغ شده که این قدر شعر تو سیطره پیدا کرد و این تأثیر چنان عمیق بود که شعر قدیم را تحت تأثیر قرار داد؛ البته نه برای همه بلکه

برای یک عده‌ای که به شعر توجه دارند و درباره شعر بسیاری اندیشند و تأمل و تفکر می‌کنند. به قدری این اتفاقات [و رویکرد شعرنوی] زود انجام شد و به سرعت رخ داد که مجال تأمل کافی در شعر قدما و درنگ اندیش‌ورانه در سخن‌شان را نداشتیم؛ مجالی برای خودمان باقی نگذاشتیم انگار؛ و حالا تازه! باید به این گنجینه ارزشمند بازگردیم و به شناسایی ویژگی‌هایش بپردازیم و ژرف تأمل کنیم که مشخصاتش چیست و تازه به بررسی‌شان بپردازیم، آنگاه جادار دشما به این پرسش‌هایی بپردازید که هم اکنون از من دارید.

**خود آگاهی زبانی سعدی و دیگر بزرگان و سرآمدان سخن از نکته‌هایی است که از خود واقعیت برآمده، یعنی غلو یا خودستایی خالی نیست، بلکه عین آگاهی و خودشناسی راستین است!**

خود سعدی هم می‌گوید: «بدین صفت که در آفاق صیت شعر تو رفت/ نرفت دجله؛ که آیش بدین روانی نیست!»: بارها از خود انسانی‌اش و تعاملش با جهان سخن رانده و واقعگرا بود؛ نه اینکه مثل حافظ باشد که گویی قدسیان شعرش را از بر می‌کنند؛ سعدی هرگز این‌گونه سخن نمی‌گوید و خلاصه به ما می‌گوید: این زبان شماسست. سعدی زبانی زمینی و ملموس دارد.

**در آن دوره که اینترنت جهانی، شتر و الاغ و کاروان‌ها بود، رسانه‌های فراگیر کاروان‌ها بودند و انتقال اطلاعات کند بود، شگفتا سعدی در آفاق متمدن آن زمان،**

**سرنشاس و شناخته‌شده بود؛ از چین و ماچین تا اندلس همچنان‌که با شعر حافظ شیراز، در کشمیر و سمرقند می‌رقصیدند و رامشگری می‌کردند.**

این موضوع که شما می‌گویید بسیار جالب است. ادوارد براون، که متأسفانه اولین تاریخ ادبیات پارسی را نگاشته، با همه گرفتاری‌ها و کاستی‌هایی که روش او در تاریخ‌نگاری ادبی به وجود آورد، در تاریخش با تعجب بیان می‌کند که در آن زمان، با همان رسانه‌های کند و دیرسر، چگونه آثار ادبی و علمی به سرعت در گستره متمدن منتقل می‌شده! او با شگفتی به کتاب «معنی» [معنی‌اللبیب] اشاره می‌کند که در میان علاقه‌مندان به ادبیات عربی و ریزه‌کاری‌های آن بسیار متداول بود. این کتاب، به ویژه فصل چهارمش «باب‌الرابع»، برای کسانی که می‌خواستند ادیب شوند، مرجع بود.

براون می‌گوید کتابی به این بزرگی با آن وسایل ابتدایی، به راستی چگونه هنوز منتشر نشده، به دست مشتاقان در اسپانیا رسیده، به عربی ترجمه شده و این که خود این کتاب، شناخته بوده و ارزیابی هم شده و در فرآیند ارزیابی به این نتیجه رسیده‌اند که خود این اثر، کتاب مهمی است و بعدها شهرت خواهد یافت، پس شایسته توجه و شایان عنایت است! او تعجب می‌کند که این سرعت انتقال چگونه

بوده است. عجیب است کسانی که چنین کتاب مفصلی را در آن زمان نسخه‌برداری و کتابت می‌کرده‌اند، از امروزی‌ها کم غلط‌تر می‌نوشته‌اند! در حالی که امروز چنین کارهایی به‌ظاهر راحت‌تر است اما چیزی که در دست نیست و جای خالی‌اش احساس می‌شود، همان هنر سعدی است؛ در آن زمان، ابزارهای اطلاع‌رسانی محدود بود اما سعدی و آثارش جهان آن دوره را درنوردید. این نشان‌دهنده قدرت بیان و نفوذ کلام اوست.

**حالا اگر بخواهیم در این لحظه آخر، سخن تازه‌ای یا شعر جدیدی که گفته‌اید را به بحث اضافه کنیم... یا به سعدی اکتفا کنیم؟**

من به سعدی اکتفا می‌کنم، چون مسائل دیگری در ذهنم است. در کتاب سعدی، البته دهم را تخلیه کردم. البته کارهایی درباره روزگار او انجام داده‌ام که به زمانی دیگر بگذاریم آن‌شالله.

**اشعار سعدی معجزه‌اند، معجزه! نخست این‌که این غزلیات از اولین نمونه‌های شعر عاشقانه بسیار پراحساس و پرشور هستند؛ و عاشقانه‌هایی و عاشقانه‌هایی، نه مانند مولوی که غالباً در آسمان‌ها سیر می‌کند. شعر سعدی کاملاً انسانی است**

### انتخابات خانه تئاتر برگزار شد



هیأت‌مدیره جدید خانه تئاتر در شرایطی انتخاب شد که در آخرین دقایق رأی‌گیری، شهاب حسینی که برای شرکت در این انتخابات نامزد شده بود، از کاندیداتوری خود انصراف داد. به گزارش ایستا، مجمع

عمومی و انتخابات هیأت‌مدیره مرکزی خانه تئاتر شامگاه پنجشنبه ۲۸ فروردین در تالار اصلی مجموعه تئاتر شهر برگزار شد.

رأی‌گیری تا بعد از ساعت ۲۱ ادامه داشت و پس از آن صندوق‌های رأی با حضور

بازرس خانه تئاتر و ناظران انتخابات به خانه تئاتر منتقل شد.

نتایج این رأی‌گیری به شرح زیر است: محمد بهرامی با ۴۷۱ رأی، مریم رحیمی با ۴۶۸ رأی، محمود رضا رحیمی با ۴۴۶ رأی، رضا دادویی با ۴۳۸ رأی، مجید قناد با ۴۲۶ رأی، بهرام ابراهیمی با ۳۴۳ رأی، مهدی موسی‌خانی با ۲۸۱ رأی، سید جواد روشن با ۲۴۵ رأی، مسعود میرطاهری با ۱۸۴ رأی و علی‌گودینی با ۱۷۱ رأی به عنوان اعضای اصلی و علی‌الدل هیأت‌مدیره انتخاب شدند.

### ضرورت تشکیل معاونت شعر در ارشاد



محمود اکرامی فر، شاعر به مهر گفت: اولین جشنواره شعر فجر که به همت آقای قزو به برگزار شد، توسط معاونت هنری و زیر نظر آقای احمدی برگزار شد. سال دوم که من دبیر آن بودم و چند دوره بعد از من، در معاونت امور فرهنگی که آقای محسن پرویز عهده‌دار آن بودند، برگزار شد. بعد از آن، جایی را به نام بنیاد شعر و ادبیات داستانی تأسیس کردند و جشنواره شعر فجر زیر نظر آنجا برگزار شد. بعد هم گفتند چند نهاد و اداره را با هم تلفیق کرده‌اند و خانه کتاب و ادبیات تأسیس شده و جشنواره شعر فجر آنجا برگزار شد. یعنی جشنواره شعر فجر چهار بار جا عوض کرده است. دلیش چیست؟ این‌که جای خاصی نداشته است. اگر ما یک معاونت ادبیات داشتیم یا یک اداره کل ادبیات داشتیم یا یک سازمان ادبیات داشتیم، شعر در کشور ما این‌طور بدون متولی نمی‌بود. وی افزود: وزارت ارشاد باید ضرورت وجود اداره کل ادبیات یا معاونت ادبیات را به سازمان استخدامی کشور و سازمان برنامه و بودجه کشور اعلام کند.

### دست‌نویسی کهن از ابوریحان بیرونی در نمایشگاه کتاب

همزمان با سی‌وششمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران، چاپ عکسی کتاب «التفهیم لاوائل صناعة التنجیم» از سوی انتشارات کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، روانه بازار نشر خواهد شد. این اثر، چاپ عکسی از روی قدیمی‌ترین نسخه دستنویس «التفهیم» مربوط به سال ۵۳۸ هجری قمری است.

«التفهیم لاوائل صناعة التنجیم» اثر ارزشمند ابوریحان محمدابن احمد بیرونی و متضمن مطالعات و معلومات او در چهار علم اصلی (هندسه، حساب، هیأت و احکام نجوم) است.

